

تحلیل و بررسی الگوی کنشی گرمس در منظومه ورقه و گلشاه عیوقی

امیر عمرانی ساردو^۱، هوشمند اسفندیارپور^{۲*}، صدیقه علیپور^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بردسیر، دانشگاه آزاد اسلامی، بردسیر، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

سال هفدهم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۶، صص ۱۷۸-۱۵۹

DOI: <http://10.22034/bahreadab.2025.17.8696>

نشریه علمی سبک شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: آلژیرداس ژولین گرمس^۱ زبانشناس شهیر اهل کشور لیتوانی است که میتوان وی را بعنوان یکی از معروفترین نظریه پردازان معناشناس در روایتشناسی بشمار آورد. نظریه گرمس که بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ شکل گرفت نوعی دستور زبان جهانی را برای روایت طرح ریزی میکند. هدف اصلی این پژوهش تحلیل و بررسی ساختار روایی بر اساس نظریه کنشگری گرمس در منظومه غنایی ورقه و گلشاه عیوقی میباشد.

روش پژوهش: روش پژوهش در این مطالعه به شیوه توصیفی - تحلیلی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و شیوه اسنادی است که با تکیه و تأکید بر رویکرد گرمس بعنوان تحلیل نشانه‌معناشناختی، سبک روایی کنشی در منظومه ورقه و گلشاه عیوقی مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

یافته‌های پژوهش: منظومه ورقه و گلشاه عیوقی بدلیل ساختار روایی خطی و غیرپیچیده و مشخص بودن کنشگران اصلی و فرعی، تقابلهای و زنجیره‌های گوناگون قابلیت تحلیل و ارزیابی از نظر الگوی کنشی گرمس را دارا میباشد و بر اساس پیرفتهای اصلی، فرعی و سنجش عامل مدنظر گرمس در الگوی یاد شده، میتوان به تحلیل آن از منظر الگوی کنشی پرداخت.

نتایج پژوهش: نتایج حاصل از این پژوهش نشان میدهد که ورقه، بعنوان کنشگر اصلی در موقعیتهای مختلف با کنشگران مخالف و موافق روبه رو میشود. نقض عهد و پیمان پدر و مادر گلشاه و ازدواج وی با شاه شام داستان را در زنجیره میثاقی به جلو میبرد. همین مسأله زنجیره‌های بعدی از جمله زنجیره اجرایی و کنشهای دیگر را شکل میدهد تا در نهایت به وضعیتی مثبت و تعادل نهایی ختم گردد.

تاریخ دریافت: ۲۴ خرداد ۱۴۰۳
تاریخ داوری: ۲۸ تیر ۱۴۰۳
تاریخ اصلاح: ۱۷ مرداد ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۱۷ شهریور ۲۰۲۴

کلمات کلیدی:

روایت‌شناسی، الگوی کنشی گرمس، زنجیره‌های روایی، ورقه و گلشاه عیوقی.

* نویسنده مسئول:

hooshmand.esfandiarpour@gmail.com

۰۹۸ ۳۴) ۳۳۵۲۱۹۵۸



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Analyzing and examining the action pattern of Grems in Varakeh and Golshah Ayoghi's system

A. Omrani Sardo¹, H. Esfandyarpour*¹, S. Alipour²

1- Department of Persian Language and Literature, Bardsir Branch, Islamic Azad University, Bardsir, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 13 June 2024

Reviewed: 18 July 2024

Revised: 07 August 2024

Accepted: 17 September 2024

KEYWORDS

narratology, Grams' action model, Narrative chains, Verkeh and Golshah Ayyoghi.

*Corresponding Author

✉ hooshmand.esfandyarpour@mail.ir

☎ (+98 34) 33521958

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Background and purpose: Algirdas Julien Gemes is a famous linguist from Lithuania who can be considered as one of the most famous theorists of semantics in narratology. Grams's theory, which was formed based on Vladimir Propp's theory, projects a kind of universal grammar for narrative. The main goal of this research is to analyze and investigate the narrative structure based on the theory of Grams's activism in Varagheh and Golshah Ayyoghi's lyrical system.

METHODOLOGY: The research method in this study is a descriptive-analytical method based on library studies and documentary method, which will be analyzed by relying and emphasizing on Grams' approach as a semiotic analysis, the narrative style of action in Varagheh and Golshah Ayoghi's system.

FINDINGS: Due to the linear and uncomplicated narrative structure and the clarity of the main and secondary actors, various confrontations and chains, the system of Varagheh and Golshah Ayyoghi can be analyzed and evaluated in terms of the action pattern of Grams, and based on the main, secondary experiences and the measurement of the factor considered by Grams In the mentioned model, it can be analyzed from the perspective of the action model.

CONCLUSION: The results of this research show that Verkeh, as the main actor, faces opposing and supporting actors in different situations. The violation of Golshah's parents' covenant and his marriage with Shah Sham moves the story forward in the covenant chain. This issue shapes the next chains, including the executive chain and other actions, to finally end in a positive situation and final balance.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.17.8696>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 20	 0	 5

مقدمه

نشانه‌معناشناسی گفتمانی رویکردی است در جهت رسیدن بسطوح معنایی بروش مستدل و علمی بر اساس جملات و در نهایت گفتمان موجود در یک متن که بستری مناسب را جهت تحلیل زیان‌شناسی یک اثر فراهم می‌آورد. علم نشانه‌شناسی نخستین بار توسط زیان‌شناس معروف «فردینان دو سوسور»^۱ مطرح گردید. پس از وی «گرمس» با توجه به نظریه‌ای که «ولادیمیر پراپ»^۲ در کتاب «ریخت‌شناسی قصه‌های پریان» مطرح نمود تلاش کرد تا به یک نظام زبانی در قالب دستور زبان جهانی دست یابد. گرمس نظریه خود را در کتاب «معناشناسی ساختاری» (۱۹۶۶ م) موسوم به نظریه نشانه‌شناسی روایت بیان کرد و اعلام نمود که ساختار یک روایت داستانی بمانند جمله قابلیت بررسی از لحاظ الگوی کنشی را دارد. گرمس برای ساختار روایی داستان، دستور زبانی را ارائه داد که در آن شش عامل گیرنده / فرستنده، مفعول / فاعل، حریف / یاریگر در تقابل با یکدیگر قرار می‌گرفتند (ر.ک گرمس، ۱۳۸۹: صص ۳۰ - ۴۷). بنابر نظریه گرمس همانگونه که جهت ادراک و دریافت معنای یک جمله باید معنای واژگانی و قواعد نحوی و دستوری آن را دریافت نمود، جهت شناخت معنای یک متن هم باید نشانه-معناهای موجود در گفتمان روایت را تحلیل و بررسی نمود.

ایده اصلی و چهارچوب کلی پژوهش پیش‌رو بررسی ساختار روایی منظومه غنایی ورقه و گلشاه عیوقی بعنوان یکی از منظومه‌های غنایی و عاشقانه کهن فارسی از دوران غزنوی است تا با تأکید بر الگوی کنشی گرمس این منظومه را تحلیل و بررسی کنیم. از آنجا که منظومه ورقه و گلشاه عیوقی از چندین و چند پیرنگ روایی تو در تو تشکیل شده است بمدد رهیافت موجود میتوانیم اجزا روایت را ابهام‌زدایی و ساختار آن را تجزیه و تحلیل نماییم؛ از این رو مسأله اصلی پژوهش آن است که چگونه میتوان ساختار روایی منظومه‌های کهن عاشقانه‌ای بمانند ورقه و گلشاه عیوقی را بر اساس نظریه الگوی کنشی تبیین نمود و در چارچوب نشانه-معناشناسی گفتمانی گرمس قابلیت بررسی الگوی کنشی در تحلیل حکایت‌های این منظومه چگونه است؟ در پژوهش پیش‌رو الگوی مورد بررسی با توجه به اهم کتب گرمس و نیز کتاب‌های حمیدرضا شعیری انتخاب شده است. فرضیه اصلی پژوهش آن است که نظام کنشی در ساختار روایی این منظومه غنایی بصورتی انتزاعی از میان کنش‌های موجود در متن در جهت القای حس عشق و علاقه و پدیدارشناسی هستی و جهان بیرون و نیز منفعت‌طلبی انسان و زیاده‌خواهی آنان از لابلای شخصیت‌های داستانی قابل مشاهده است. مرکز ثقل روایت در این داستان بر تقدیرگرایی، دنیاطلبی و در نهایت غلبه و پیروزی عشق بر این احساسات است.

ضرورت و اهمیت پژوهش

جستار پیش رو در قالب مطالعه و شناسایی نظام نشانه‌معناشناسی گفتمانی از منظر گرمس با تأکید بر الگوی کنشی در منظومه ورقه و گلشاه عیوقی، الگوی مناسبی را جهت بررسی، تحلیل و واکاوی نظام روایی شعر کلاسیک فارسی بدست میدهد و سبب گشوده شدن دریچه‌ای تازه بسوی تحلیل آثار منظوم از پیشینه سترگ و غنی ادبیات فارسی میشود، تا پژوهشگران متون و داستان‌های منظوم و منشور روایی بصورت دقیق و همه‌جانبه‌ای با ساز و کار و نحوه ارائه روایت و کنش در منظومه‌های عاشقانه فارسی نیز آشنا شوند؛ ورقه و گلشاه عیوقی بدلیل ساختار روایی مستقیم و حضور کنشگران اصلی زنجیره‌های کنشی خاصی را در قالب تقابلهای دوگانه ایجاد نموده است که تحلیل

1. Ferdinand de saussure

2. Vladimir propp

آن می‌تواند نمونه‌ای جامع و کامل از این قبیل تحلیلها را در متون منظوم غنایی فراهم آورد از سوی دیگر با توجه به ظرفیتهای روایی خطی و قابل فهم داستان ورقه و گلشاه عیوقی، این اثر محمل بسیار مناسبی جهت مطالعات نشانه-معناشناسی است از این رو همین مسأله ضرورت کاربرد الگوی یاد شده را در این منظومه مشخص مینماید. با توجه به مطالعات بعمل آمده با وجود پژوهشهایی که در خصوص ویژگیهای ساختارگرایانه، سبک‌شناسی و... در خصوص منظومه ورقه و گلشاه عیوقی، تاکنون پیرامون نظریه روایت‌شناسی گرمس در این اثر مطالعه‌ای صورت نگرفته است لذا این پژوهش بصورت اختصاصی به تحلیل نظام کنشی بر اساس الگوی روایت‌شناسی گرمس در ورقه و گلشاه عیوقی می‌پردازد. این مسأله که آیا نظریه کنشی گرمس با آثار غنایی و منظومه‌های کهن انطباق‌پذیر است و اثبات اینکه عیوقی به جنبه‌های روایی در این داستان توجه داشته است، ضرورت انجام این پژوهش است.

هدف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش واکاوی و تحلیل نظامهای گفتمانی کنشی از منظر نشانه-معناشناسی گفتمانی در ساختار روایی منظومه غنایی ورقه و گلشاه عیوقی است؛ نگارندگان سعی دارند با کمک دستور زبان روایی گرمس، با نفوذ به لایه‌های زیرساختی این اثر انواع کنشگران را در منظومه ورقه و گلشاه عیوقی را شناسایی و سپس به تحلیل و ارزیابی آنها بپردازند. نیز هدف این مقاله آن است که نشان دهد چگونه یک روایت می‌تواند سبب تغییر کارکردهای نشانه‌ای و آفرینش «معنا» در گفتمان شود. از آنجا که نشانه‌معناشناسی با سایر حیطه‌ها از جمله پدیدارشناسی، فلسفه زبان و هستی‌شناسی نیز ارتباطی تنگاتنگ دارد، از این رو میتوان متن ادبی پیش رو را با توجه به ابژه خاص گفتمانی در آن (مرگ عاشق و معشوق و زنده شدن مجدد آنها) از منظر نشانه-معناشناسی تحلیل نمود؛ چنین دیدگاه‌های فلسفی نسبت به منظومه‌های غنایی و عاشقانه هنوز نوپاست و میتواند بابت تازه را پیش روی مطالعات ادبیات کلاسیک و ذخایر سترگ زبان و ادبیات فارسی باز نماید.

پیشینه پژوهش

آنچه که سبب شکل‌گیری پژوهش پیش رو شده است خلاء تحقیق در خصوص تحلیل و بررسی نظریه‌های روایت‌شناسی معاصر از جمله الگوی کنشی در آثار ادبیات کلاسیک ایران از جمله منظومه غنایی ورقه و گلشاه عیوقی است. منظومه‌ای که با وجود برخوردار از ظرفیتهای بالای کنشگران بر اساس الگوی گرمس، تاکنون از این زاویه مورد تحلیل و ارزیابی قرار نگرفته است. اما در خصوص مطالعه نظام نشانه‌معناشناسی نخستین منبع کتابی است با عنوان «نقصان معنا» اثر آلژیرداس ژولین گرمس ترجمه حمیدرضا شعیری که یکی از جمله نخستین و بهترین آثار گرمس در خصوص عبور از ساختارگرایی به تحلیل گفتمان و روایت‌شناسی است. در ایران حمیدرضا شعیری در زمره پژوهشگران و نویسندگانی است که علاوه بر ترجمه آثار گرمس، مطالعات و کتب بسیار قابل توجهی در خصوص نشانه‌معناشناسی گفتمانی به رشته تحریر درآورده است. کتابهایی از قبیل «نشانه‌معناشناسی ادبیات: نظریه و روش تحلیل گفتمان ادبی»، «مبانی نشانه‌معناشناسی نوین»، «تحلیل نشانه‌معناشناسی گفتمان» نیز سجودی در کتاب «نشانه‌شناسی کاربردی»، عباسی در کتاب «نشانه‌معناشناسی روایی مکتب پاریس» بابک معین در کتاب «معناشناسی روایت» به بحث و بررسی پیرامون نشانه‌معناها و انواع الگوهای چهارگانه گرمس اعم از کنشی، تنشی، شوشی و بوشی پرداخته‌اند.

نجفی و محمدی (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل فرایند نظام‌های گفتمانی کنشی و تنشی در شعر کتیه اخوان ثالث» بر اساس نقصان بیرونی با محوریت کنش به تحلیل و بررسی پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که اخوان بعنوان کنشگر در شعر کتیه گرچه در ابتدا امیدوار تغییر در فضای خفقان و مه‌آلود جامعه عصر پهلوی است اما در نهایت با غلبه فرایند تنشی بر نظام گفتمان کنشی، سرخورده و مأیوس میشود.

فرشادفایان (۱۳۹۶) در مقاله «تحلیل عناصر غنایی و حماسی در منظومه ورقه و گلشاه» به این نتیجه رسیده است که موسیقی بیرونی حاکم بر منظومه یاد شده تلفیقی است از عناصر حماسی و زیرساخت‌های غنایی که شاعر بشیوه‌ای هنرمندانه توانسته از آن در جهت یکپارچگی و انسجام متن بهره بگیرد.

شعیری و کنعانی (۱۳۹۴) در مقاله «نشانه‌معناشناسی هستی‌محور: از برهم کنشی تا استعلا بر اساس گفتمان رومیان و چینیان مولانا» حضور هستی‌شناختی نور را در فضای گفتمانی مورد تحلیل قرار داده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که نور و رنگ در فضای بی‌رنگی در مثنوی سبب استعلا معنا شده است.

مشهدی و ثواب (۱۳۹۳) در مقاله «تحلیل ساختار روایی داستان بهرام و گل‌اندام بر پایه نظریه گرماس» یکی از منظومه‌های غنایی کهن را از منظر روایت‌شناسی گرمس بررسی و تحلیل نموده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که طرح داستان مذکور، ساختار و انسجام روایی خاصی دارد و از لحاظ کنش، دو الگوی کنشی مجزا را با کنشگرانی متمایز تشکیل میدهد.

روحانی و شوبکلایی (۱۳۹۱) در مقاله «تحلیل داستان شیخ صنعان منطق‌الطیر عطار بر اساس نظریه کنشی گرمس» در داستان شیخ صنعان، پیرفتهای متقابل، زوجهای متقابل و کنشگران مختلف را تحلیل و ارزیابی نموده‌اند.

در خصوص تحلیل و بررسی منظومهٔ ورقه و گلشاه نیز مطالعاتی صورت گرفته است:

نیکنامی و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل داستان ورقه و گلشاه بر اساس نقد کهن‌الگویی» مراحل خودشناسی در شخصیت‌های اصلی داستان از جمله ورقه و گلشاه را مورد ارزیابی قرار داده و به تحلیل آئیموس از منظر یونگ در شخصیت ورقه و گلشاه پرداخته‌اند.

انصار و هدایتی (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی منظومه ورقه و گلشاه عیوقی و ویژگی‌های سبکی آن» در سطوح زبانی، ادبی و فکری به تحلیل این منظومه پرداخته‌اند. نویسندگان مهمترین ویژگی‌های زبانی این منظومه را پیروی از سبک خراسانی با درونمایه‌ای مدح‌محور دانسته‌اند. وجود جنبه‌های حماسی در کنار درونمایه تغزلی و بهره‌گیری از تشبیهات حسی و استعاره‌های ساده و پرهیز از بکار بردن آرایه‌های پیچیده از شاخصه‌هایی است که در نتایج این مقاله پیرامون منظومه ورقه و گلشاه عیوقی بدست آمده است.

علیزاده و مهدیزاده (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی عنصر زمان در قصه ورقه و گلشاه از دیدگاه ژرار ژنت» تکنیک سرعت و زمان را در روایت‌پردازی این منظومه عیوقی تحلیل و بررسی کرده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که در این داستان تکنیک روایت بگونه‌ای از زمان‌پردازی بهره گرفته است که جنبه‌های حماسی اثر تقویت شود.

غلامحسین‌زاده و دیگران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی مضامین عاشقانه داستان ورقه و گلشاه عیوقی با اصل روایت عربی» به این نتیجه رسیده‌اند که مضامینی که عیوقی در منظومه خویش مورد توجه قرار داده است اولاً نسبت به اصل روایت عربی آن وجه حماسی بیشتری دارد و در ثانی حضور اندیشه، تفکر و خردگرایی در روایت عیوقی در کل داستان تحت تأثیر فرهنگ و تمدن دیرپای ایرانی، قویتر است.

فروزنده (۱۳۸۷) در مقاله «تحلیل ساختاری طرح داستان ورقه و گلشاه عیوقی» طرح و پیرنگ داستان را از منظر ساختارگرایی تحلیل نموده و اجزای تشکیل‌دهنده آن از دیدگاه ساختارگرایی روسی را مورد تحلیل قرار داده است؛ نویسنده در این مقاله نتیجه گرفته است که بر اساس روابط علت و معلول، حلقه‌های زنجیره‌وار پی‌رفت از تعادل به عدم تعادل و سرانجام دوباره به تعادل شکل گرفته است و طرح داستان ساده است و پیچیدگی خاصی ندارد.

روش پژوهش

روش گردآوری داده‌های اطلاعاتی در این مقاله بر اساس منابع اسنادی است و بشیوه مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد و مصادیق و شواهد مورد بررسی در چارچوب روش توصیفی - تحلیلی مورد ارزیابی و پردازش قرار گرفته‌اند. در تحلیل و بررسی یاد شده ضمن مراجعه به کتب گرمس، از نظریات دیگر پژوهشگران در راستای دستور روایی مورد نظر در الگوی کنشی گرمس بهره خواهیم برد.

چارچوب نظری و مفهومی بحث

نشانه‌شناسی «هم‌بنوعی نظریه است و هم بنوعی روش‌شناسی» (مودت و دیگران، ۱۴۰۳: ص ۱۰۶). نشانه-معناشناسی الگویی علمی و روشی کارآمد است که با بهره‌گیری از آن میتوان سازوکارهای تولید و آفرینش معنا را از میان انبوهی از معانی و گفتمانهای موجود در یک اثر بخوبی تحلیل و ارزیابی نمود. «در نشانه-معناشناسی، هر نشانه در تعامل، چالش، تباین، پذیرش، طرد، تناقض، همگرایی، واگرایی، همسویی یا دگرگونی با نشانه‌های دیگر، حرکتی را رقم می‌زنند که این حرکت راهی است بسوی تولید معنا» (شعیری، ۱۳۹۵: ص ۱). آنچه که در الگوی گرمس حائز اهمیت است آنکه روایتها دارای یک دستور زیربنایی هستند؛ از این رو وی معتقد است: «زنجیره روایی در داستان، از طریق دو کنشگر که ارتباط آنها کنشهای اساسی را پدید می‌آورد به تقابلهای دوگانه اجازه حضور میدهد. علاوه بر این گرمس اعتقاد دارد که دستور روایت مانند دستور زبان محدود است» (گرین و لیبیان، ۱۳۸۳: ص ۱۱۰). به تبعیت از ساختارگرایان، گرمس، شخصیت را در قالب الگوی روایی یک اثر، جزئی از متن و نیز تابع کنشهای آن قلمداد میکند. گرمس با توجه به دستور زبان روایت بیان کرد که در ساختار یک اثر روایی انتقال مفهوم از کنشگری به کنشگر دیگر رخ میدهد و سبب پیدایی «فاعل»، «مفعول» و ابژه ارزشی میشود (ر.ک تاپسن، ۱۳۸۷: ص ۳۶۵).

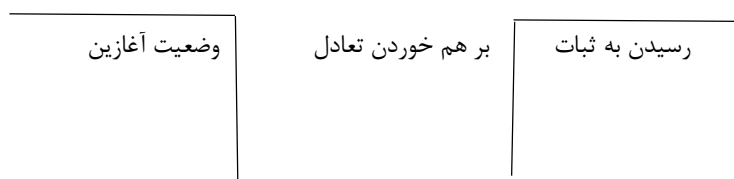
الگوی نظام گفتمانی کنشی

چنانکه گفتیم الگویی که گرمس جهت تجزیه و تحلیل ساختمان یک روایت ارائه داده، الگویی است شبیه ساختار دستور زبان. از نظر گرمس، همانگونه که در ساختمان دستور زبان جملات باید انجام یک فعل وقوع آن بر مفعول و انجام‌دهنده آن توسط فاعلی را در نظر گرفت، ساختار بنیادین روایت نیز بر اساس انتقال از یک کنشگر به کنشگر

دیگر شکل میگیرد. کنشگران در ساختار یک روایت از نظر گرمس شامل شش عامل هستند: ۱- فاعل^۱؛ مفعول^۲؛ ۳- فرستنده^۳، گیرنده^۴؛ ۵- یاری‌رسان^۵؛ ۶- مخالف^۶ (ر.ک گرمس، ۱۳۸۹: صص ۹۹ - ۱۰۱).

گرمس بمنظور روایت یک داستان بدنبال ارائه الگوی کنشی است و کنشهای شش‌گانه را مطرح نمود که دارای تقابلهای دوگانه هستند. از نظر گرمس هر نوع کنشی در ساختار روایت در قالب سه زنجیره اصلی مطرح میشود: «۱- زنجیره اجرایی که دال بر انجام مأموریتی است که باید اجرا شود ۲- زنجیره میثاقی یا قراردادی شامل وظیفه‌ای است که بر عهده قصه گذاشته شده تا به سرانجام خود برسد؛ ۳- زنجیره انفصالی یا انتقالی شامل تغییر وضعیت و حالتی است که در قصه اتفاق می‌افتد» شعیری و وفایی، ۱۳۸۸: ص ۹۴). گرمس با این سه زنجیره شش کنشگر را معرفی مینماید: «۱- فرستنده یا تقاضاکننده sender؛ ۲- گیرنده: reciver؛ ۳- موضوع: object؛ ۴- یاری‌دهنده: supporter؛ ۵- مخالف یا بازدارنده: conflict؛ ۶- قهرمان یا فاعل subject» (عباسی، ۱۳۹۵: ص ۶۸). در این نظام گفتمانی معنا در یک فرایند ارتباطی میان گوینده و شنونده یا فرستنده و گیرنده شکل خواهد گرفت و اطلاعات از مبدأ به مقصد ارسال خواهد شد. الگوی کنشی در یک روایت، عملکرد شخصیت‌های آن را مشخص میکند؛ البته کنشگر الزاماً عامل انجام‌دهنده کاری نیست، بلکه میتواند در قالب یک رخداد تاریخی، روزگار یا حتی یک شی بیجان، سبب اتفاقی شود (ر.ک شعیری، ۱۳۹۵: ص ۲۳). این کنش با بر هم خوردن تعادل و رسیدن به ثبات در داستان پیش میرود:

نمودار شماره ۱. طرح اصلی روایت از نظر گرمس



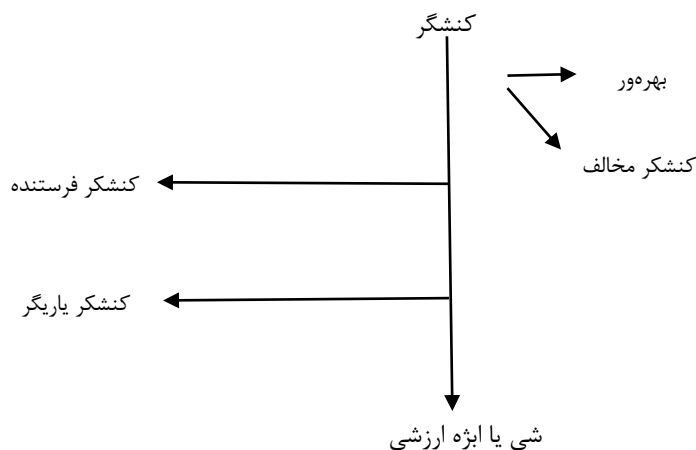
تقابلهای دوگانه^۷ و پیرفتها

از دیدگاه گرمس، روایت حاصل تقابلهای دوگانه است. «در هر پیرفت روایت، حداقل دو مشارک ضروری وجود دارد و کنشهای پایه عبارتند از: فصل و وصل، جدایی و وصال، مبارزه و آشتی. روایت در اساس عبارت است از انتقال یک ارزش یا یک شی از یک مشارک به مشارک دیگر» (اسکولز، ۱۳۸۳: ص ۱۴۷). در حقیقت گرمس بر این نکته تأکید میکند که بدون این تقابلهای نمی‌توان یک اثر روایی را ادراک یا تحلیل نمود. «پیرفت بمعنای رخدادهایی است که حول محور کنشهای داستانی و شخصیت‌های آن رخ میدهد. انسجام و همبستگی میان پیرفتها، سبب پیشرفت یک داستان و قرار گرفتن آن در یک خط سیر منطقی میشود. بطور کلی آنچه در فراز و فرود فضای

1. subject
2. object
3. sender
4. Reciver
5. Helper
6. opponent
7. Binay opposition

داستان رخ میدهد، تا حدود زیادی نتیجه پیرفتهاست که در مجموع پیرنگ اصلی را شکل میدهد. از دیدگاه گرمس روایت عبور از وضعیت ابتدایی بوضعیت نهایی است» (سجودی، ۱۳۸۸: ص ۶۸). از نظر گرمس هر چه تعداد تقابلها و تضادها بیشتر باشد، واقع‌نمایی آن بیشتر است چرا که برای رفع موانع تلاش بیشتری از سوی کنشگران رخ میدهد» (ر.ک اخوت، ۱۳۹۲: ص ۶۵).

نمودار شماره ۲. عوامل مؤثر در گفتمان کنشی



درباره عیوقی و منظومه ورقه و گلشاه

از زندگی عیوقی «همین قدر معلوم است که او مسلمان است و داستان خود را در بهار یکسال شروع کرد و گویا در همان سال به پایان برده است. چنانکه از متن کتابش برمی‌آید سرگذشت غم‌انگیزی داشته و در عشق خود بر اثر مکر و حيله عده‌ای از آشنایان و کسان، ناکام اقتاده بود و کسانی را که با او راه بیداد سپرده بودند به یزدان سپرد تا در روز قیامت داد وی را از آنان بستانند» (انصار و هدایتی، ۱۳۹۷: ص ۲۴؛ ر.ک عیوقی، ۱۳۶۲: ص ۱۱). ورقه و گلشاه عیوقی منظومه‌ای است از شاعران دوره اول غزنوی اوایل سده پنجم هجری که روایتگر داستان عاشقانه‌ای است. «تاریخ نظم داستان ورقه و گلشاه دقیقاً معلوم نیست. ابوحرزه، شاعر دوره اموی آن را بنظم عربی درآورده [و] عیوقی نخستین شاعری است که آنرا بنظم فارسی درآورده است. عیوقی معاصر سلطان محمود بود. وزن و سبک نگارشی که عیوقی در نظم ورقه و گلشاه بکار برده است، همچون وزن و امق و عذرای عنصری و شاهنامه فارسی، بحر متقارب است» (انصار و هدایتی، ۱۳۹۷: ص ۲۳). «در خصوص عیوقی، شاعری و زندگانی‌اش اطلاعات چندانی در دست نیست همین اندازه می‌دانیم که عیوقی از شاعران اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم

هجری است که معاصر سلطان محمود غزنوی بوده است» (صفا، ۱۳۷۲: ۱ / ۶۰۱). در خصوص روایت داستانی این منظومه آمده است که داستان ورقه و گلشاه عیوقی، برگرفته از داستان «عروه و صفرا» اولین داستان عاشقانه عذری در عربی است. به گفته ابراهیم با داستانی از دوران جاهلیت اعراب نیز بسیار شباهت دارد (ر.ک ابراهیم، ۱۹۷۲: ص ۳۷۱؛ غلامحسین زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ص ۴۴).

ماجرای روایت داستانی ورقه و گلشاه عیوقی در سرزمین عربستان رخ میدهد. در قبیله‌ای بنام «بنی شیبه» دو برادر بنام «هلال» و «همام» ریاست میکردند. هلال دختری زیباروی بنام «گلشاه» داشت و همام پسری بنام «ورقه» که هر دو از کودکی با یکدیگر به مکتب میرفتند. ورقه و گلشاه اندک اندک دل‌باخته یکدیگر شدند و دو قبیله تصمیم به برگزاری مراسم ازدواج آنان گرفتند. در این هنگام یکی از قبایل متجاوز «بنی ضیبه» بر قبیله بنی شیبه یورش آورد و گلشاه به اسارت گرفته شد. پس از این اسارت رئیس قبیله مهاجم یعنی «ربیع بن عدنان» به گلشاه عشق ورزید و قاصدی را جهت صلح و خواستگاری نزد پدر گلشاه فرستاد اما هلال به او پاسخ منفی داد. پس از مدتی، ورقه به کمک جوانان قبیله به بنی ضیبه حمله کرد. ربیع بن عدنان در این حمله پدر ورقه را کشت و از سوی دیگر گلشاه توانست ربیع و پسر بزرگ او را به قتل برساند. پس از آزادی گلشاه پدر وی شرطی را برای ورقه گذاشت تا به ازدواج آن دو تن دهد و آن هم تحصیل مال و مقام بود. ورقه بجزستجوی کسب مقام و موقعیت با گلشاه وداع کرد و عازم یمن شد تا از پادشاه آنجا که دایمی‌اش بود کمک بگیرد. در اثنا ورود ورقه به یمن، دو پادشاه بحرین و عدن به آن کشور هجوم آوردند و حاکم یمن را به اسارت گرفتند؛ اما با تدبیر و چاره‌اندیشی ورقه کشور و پادشاه آزاد شد و شاه یمن، ورقه را از مال و مکتب بی‌نیاز کرد. در همین زمان، شاه شام به خواستگاری گلشاه آمد و به اجبار گلشاه به عقد وی درآمد برای فریفتن ورقه، پدر گلشاه گوری خالی به او نشان داد و گفت گلشاه در گذشته است اما ورقه بکمک کنیزی از ماجرا باخبر شد؛ پس از کش و قوسهای فراوان شاه شام که از عشق همسرش به ورقه اطلاع یافت تصمیم میگیرد از گلشاه جدا شود و او را به عقد ورقه درآورد اما ورقه از انجام این کار امتناع میورزد و از عشق گلشاه سرانجام جان میدهد و گلشاه نیز از شنیدن خبر مرگ ورقه میمیرد؛ عیوقی در پایان داستان از معجزه پیامبر (ص) یاد میکند که به اذن الهی و درخواست حضرت محمد (ص) این دو عاشق زنده میشوند و سالها در کنار یکدیگر زندگی میکنند.

ورقه و گلشاه عیوقی و کنشگران

پیرنگ روایی در این داستان بصورت خطی و عادی طرح‌ریزی شده است بگونه‌ای که مجموع داستان حالتی از تناوب علی و معلولی حوادث را در زمان و مکان معین و مشخص به خواننده القا میکند. درک و دریافت این ساختار روایی برای خواننده بدلیل خطی بودن سیر روایت، تا حدود بسیار زیادی آسان است. پیرنگ داستان از گونه خلاف عادت، تخیلی یا فراواقعی نیست. منظومه ورقه و گلشاه عیوقی از پیرفتهای خاصی برخوردار است؛ کنشگرانی که نوع کنش و تقابلهای آنان بکمک زاویه دید بیرونی روایت میشود حکایت از وضعیت اولیه‌ای دارد که در ابتدا بسیار آرام است؛ اما اندک اندک شرایط حاکم بر روند کلی داستان، سبب تغییر مدام پیرفتها و جابجایی آنها و ورود کنشگران تازه‌ای میشود. پس از گذشت چند پیرفت از آغاز داستان و ورود کنشگران اصلی به جهان داستان و تأثیر این پیرفتها بر یکدیگر و تلاش برای تغییر اوضاع و شرایط تعادل اولیه بر هم میخورد.

نظام کنشی - تجویزی^۱

یک گفتمان کنشی اصلی و مرکزی در هسته روایت منظومه ورقه و گلشاه عیوقی وجود دارد که سایر گفتمانها را هدایت میکند. گفتمان کنش‌محور در داستان ورقه و گلشاه عیوقی، داستان عشق این دو دل‌داده و تلاش ورقه برای بدست آوردن گلشاه و پشت سر گذاشتن موانع بسیار است. اما هر چه که ورقه برای بدست آوردن گلشاه تلاش میکند اوضاع بدتر میشود. موضوع این روایت فریبکاری، دروغ و جفایی است که در حق ورقه از سوی پدر و مادر گلشاه اعمال میشود. در حقیقت در هر مرحله که ورقه برای بدست آوردن گلشاه با شرط جدیدی از سوی خانواده وی مواجه میشود، سعی در پشت سر نهادن موانع میکند اما در نهایت باز هم با مانع تراشی جدیدی از سوی قبیله گلشاه مواجه میشود؛ گلشاه در این نظام روایی تابع عقاید سنتی خانواده و جامعه محل سکونت خویش است و توان سرپیچی از سنتها را ندارد، بنابراین با یک نظام گفتمانی کنشی - تجویزی مواجه هستیم. در نخستین مرحله پدر و مادر گلشاه از ورقه میخواهند که ثروت هنگفتی بدست آورد و ورقه نیز برای برآورده ساختن خواسته‌های آنان عازم یمن میشود تا نزد دایی خویش بتواند مال و مکنتی اندوخته نماید:

امیر یمن بود منذر بنام همی‌خورد شاد و همی‌راند کام
 ابر ورقه بر مهربان بود سخت که بُد حال او بخرد و نیک‌بخت
 هم اندر زمان ورقه پُر هنر بسیجید و سازید کار سفر
 (همان: ص ۹۴)

ماهیت این کنش تجویزی زمانی مشخص میشود که گلشاه برخلاف میل باطنی خود و تنها به اجبار پدر و مادر و اهل قبیله حاضر میشود که ورقه برای بدست آوردن ثروت عازم سفر شود و از این روست که وداع او با ورقه در آغاز این سفر وداعی غمبار است:

چو گلشاه ز ورقه شنید این سخن بنالید آن سر و تن سیم بُن
 چنین گفت کای نزهت کام من ز نامت مبادا جدا نام من
 میان من و تو جدایی مباد ز چرخ فلک بیوفایی مباد
 گر از روی من می‌بتابی تو روی مجویم و گر جویی از خاک جوی
 بگفت این سخن را و بر ارغوان ز مژگان ببارید سیل روان
 (همان: ص ۹۴)

نظام کنشی - ارزشی

در گفتمان کنشی منظومه ورقه و گلشاه عیوقی، رضایت خاطر معشوق و تلاش برای بدست آوردن وی تا سر حد جان‌بازی و از خودگذشتگی «ابژه ارزشی» اصلی است. ابژه ارزشی در ساختار اصلی روایت نبردها و تلاشهای پی در پی ورقه در موقعیتهای گوناگون است؛ ورقه ابتدا به یمن میرود تا نزد دایی خود ثروتی بیندوزد اما در این هنگام با هجوم بیگانگان به یمن، ورقه تصمیم به جنگ میگیرد و سپاهیان شاه بحرین و شاه عدن را با تدبیر خویش در هم میشکند:

۱. Discoursopres criptif

که ناگاه ورقه چون ابر سیاه ز کینه در آمد به پیش سپاه
بگردید اندر مصاف نبرد سیه کرد گردون ز بسیار گرد
(همان: ص ۱۰۱)

این گفتمان، فرایند کنشی دیگری را بدنبال دارد؛ پس از آنکه شاه یمن بر مهاجمان پیروز شد بجزیران رشادتها و دلاوریها ورقه را مورد لطف و نواخت خویش قرار داد:

نه چندان به ورقه بدادش ز مال که گفتن توان، آن مبارک خصال
که داند چه داد او بدان مهربان تو گفتمی مگر هست مال جهان
(همان: ص ۱۰۷)

ورقه تصمیم به ترک یمن و بازگشت نزد گلشاه را داشت که خبر داده شد شاه شام بدیدار گلشاه رفته است و تصمیم دارد با وی ازدواج کند.

گفتمان مجابی - کنشی

از نظر گرمس گفتمان کنشی - مجابی مسیر روایت را تغییر میدهد و برخلاف گفتمان تجویزی که در آن کنشگر و کنشگزار در یک رابطه از بالا به پایین مورد ارزیابی قرار میگیرند، در این مرحله رابطه تعاملی ایجاد میشود و کنشگر برای بدست آوردن شی ارزشی وارد جریان تازه‌ای از گفتمان میشود (۱۳۸۹: ص ۶۴؛ دینه سن، ۱۳۸۰: ص ۷۱). شاه شام برای راضی نمودن هلال - پدر گلشاه - تلاش بسیاری میکند و زمانی که نمیتواند موافقت او را بدست آورد جهت تطمیع مادر گلشاه، کنیزی را با هدایای بسیار نزد وی میفرستد. در اینجا مسیر روایت توسط گفتمان کنشی - مجابی و تلاش شاه شام برای متقاعد ساختن مادر گلشاه تغییر میکند:

بخواندش یکی زال کم بودگان خرف زالکی عمر پیمودگان
مر او را بسی مال پذیرفت و چیز وزو راز دل هیچ ننهفت نیز
بگفتش سوی مام گلشاه شو ز شویش پنهان باش و ناگاه شو
که گر دخترت مر مرا بزنی دهی بیگمان بر فلک پر زنی
شما را من از مال قارون کنم ز خلق جهان جاه افزون کنم
(همان: ص ۱۱۰)

کنش شاه شام بعنوان یکی از کنشگران داستان باز هم سبب بر هم خوردن تعادل داستان میشود و دوباره مسیر رسیدن ورقه به گلشاه را با چالش جدید مواجه میسازد.

پیرفتهای متقابل در الگوی کنشی داستان

پیرفت «بمعنای رخدادهایی است که حول محور کنشهای داستانی و شخصیت‌های مرتبط انجام میگیرد. انسجام و پیوستگی میان پیرفتهای بطور کلی در یک ساختار روایی سبب پیشرفت داستان و قرار گرفتن آن در خط سیر منطقی میشود» (سجودی، ۱۳۶۸: ص ۷۲). «جفتهای متقابل» یا «ساختار بنیادی دلالت» در الگوی گرمس تغییر وضعیت و بر هم خوردن تعادل را در ساختار داستان ایجاد میکند. در روایت منظومه ورقه و گلشاه عیوقی، بر هم خوردن وضعیت تعادل از جمله قبیله مهاجم و ربودن گلشاه و برهم زدن مراسم ازدواج ورقه و گلشاه آغاز میشود و گلشاه از ابتدای داستان در وضعیتی تقابلی قرار میگیرد:

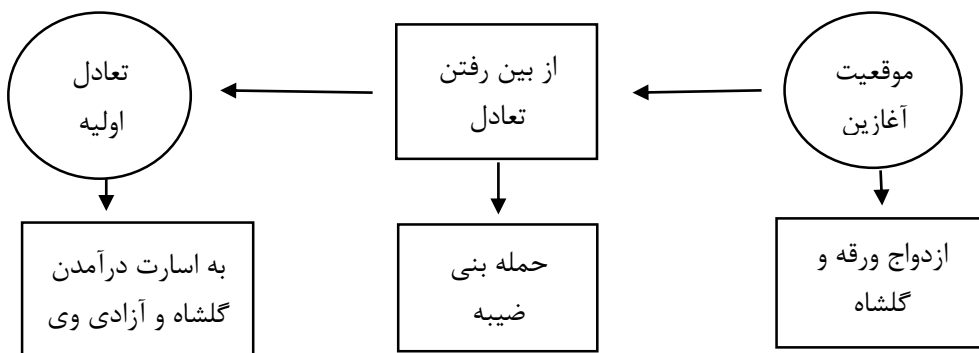
هنوز آلت عقد ناکرده راست که از هر سوی غلغل و نعره خاست
 برآمد ز هامون و گردون خروش مصیبت شد آن شادی و ناز و نوش
 سپاهی همه سرکش و تیره رای همه دیو دیدار و آهن قبای
 ز بهر شبیخون و از بهر کین تو گفתי که بر رسته‌اند از زمین
 همه تیغها از نیام آخته همه کینه و جنگ را ساخته
 (عیوقی، ص ۵۰)

تقابل میان دو قبیله متخاصم سبب بر هم خوردن تعادل و ایجاد پیش‌زمینه‌ای برای شروع داستان میشود. از همین قسمت روایت، جشن ازدواج ورقه و گلشاه بهم می‌خورد و گلشاه توسط قبیله مهاجم به اسارت گرفته میشود:

ربودند گلشاه دلخسته را مر آن دلگسل سرو نورسته را
 (همان: ص ۵۱)

کنشگرهای «ورقه» و «گلشاه» بعنوان کنشگران آغازین و مقدمه‌ای جهت ورود به طرح اصلی داستان و کنش اولیه بحساب می‌آیند و در واقع حالت تعادل آغازین را شامل میشوند. موقعیت نامتعادل با به اسارت گرفتن «گلشاه» آغاز میشود. در سیر روایت خطی داستان با هجوم دشمن و جنگ میان دو قبیله ربیع با سپاهیان خود به قبیله گلشاه هجوم می‌آورد و قبیله بنی شیبه به جنگ با مهاجمان می‌روند شکست قبیله بنی ضیبه و فرار آنها و باز گرداندن گلشاه از اسارت و برگرداندن وی به قبیله، موقعیت نامتعادل اولیه را به تعادل میرساند:

نمودار شماره ۳. الگوی کنشی طرح اولیه



تقابل بین دو قبیله و دشمنی و عناد آنها با یکدیگر در آغاز داستان وضعیت را نامتعادل میسازد:

براندند از این و از آن سو سپاه برابر فتادند در نیم راه
 همان و همین ساخته ساز جنگ نکردند بر کینه جستن درنگ
 هم از گرد ره جنگ بر ساختند زمین را به لرزه در انداختند
 ز بس نعره و جنگ و آشوب و شور ز بس شیهه ابرش و خنگ و بور

تو گفتی جهان نیست گردد همی زمین را فلک درنوردد همی
(همان: ص ۵۹)

موقعیت نخستین: طرح داستان بالقوه این امکان را فراهم می‌آورد که ثبات و پایداری موجود در زندگی قبیله هلال و همام پدر ورقه و پدر گلشاه که با یکدیگر برادر هستند، در هم ریخته شود و گلشاه دختر زیباروی قبیله که قرار است به عقد پسر عموی خود درآید، در هجوم قبیله متخاصم به سرکردگی ربیع بن عدنان به اسارت گرفته شود؛ ربیع از عاشقان دلخستهٔ گلشاه است و درست بهمین دلیل در شب ازدواج گلشاه با ورقه به قبیله آنان هجوم میبرد. از این رو ربیع به دنبال تصاحب «بژه ارزشی» یعنی عشق گلشاه است. ربیع خطاب به گلشاه میگوید:

کنون گر به مهرم تو رغبت کنی بیایی و با بنده صحبت کنی
تن و جان و مالم همه آن توست دلم بسته عهد و پیمان توست
(همان: ص ۸۱)

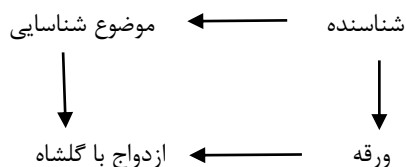
دومین موقعیت: پس از اسارت گلشاه، نبردی سخت میان قبیله وی با مهاجمان درمیگیرد. هلال عموی گلشاه و پدر ورقه، ربیع و پسر بزرگ او و افرادی دیگر از هر دو قبیله در جنگ کشته میشوند و ورقه شبانه به خیمه دشمن حمله میکند و در نهایت گلشاه را آزاد مینماید. در توصیف حمله ورقه برای نجات جان گلشاه:

همی بود تا شب شبی درگذشت شباهنگ بر چرخ گردان بگشت
برون آمد از خیمه چون تندباد سوی لشکر دشمنان رخ نهاد
آبا درقه و دشنه و تیغ تیز همی رفت تنها بخشم و ستیز
چو گلشاه رخسار ورقه بدید ز جاننش گل شادمانی دمید
نهان از پس خیمه بیرون شدند ندانست کس کان دو تن چون شدند
(صص ۸۵ - ۸۶)

تا این بخش از داستان یعنی در دومین موقعیت عیوقی با طرح مقدمه‌چینی برای تنه اصلی داستان اندک اندک خواننده را برای ورود به اصل ماجرا آماده میکند.

جفت‌های متقابل

بر طبق الگوی گرمس در ساختار یک روایت میتوان شناسنده / موضوع شناسایی، فرستنده / گیرنده، کمک کننده / مخالف را شناسایی نمود (ر.ک سلدن، ۱۳۷۲: ص ۱۱۸). اگر این جفت‌های متقابل در الگوی کنشی گرمس را لحاظ کنیم در داستان ورقه و گلشاه عیوقی ورقه شخصیت و کنشگر اصلی داستان در پی دستیابی به سوژه ارزشی (هدف خاص) یعنی ازدواج با گلشاه است:



در اینجا میتوان ورقه را فرستنده و گلشاه را گیرنده بشمار آورد. شخصیت‌های فرعی داستان از جمله مادر و پدر گلشاه، مهاجمان قبیله دشمن مانند عدنان بن ربیع و پسرانش و تمامی شخصیت‌هایی که ورقه در طول مسیر داستان با آنان به‌نوعی در مبارزه و تقابل بود، کنشگران مخالف بحساب می‌آیند از میان این کنشگران، شاه شام را

میتوان در پایان داستان ورقه و گلشاه جزء کنشگران یاریگر بشمار آورد که با وجود آنکه در ابتدا در نقش رقیب ورقه ظاهر شد، اما در انتهای داستان زمانیکه شیفتگی و عاشقی ورقه و گلشاه نسبت به یکدیگر را میبیند، تصمیم میگیرد از گلشاه جدا شده و آن دو را بعقد یکدیگر درآورد؛ گرچه ورقه از پذیرش این پیشنهاد سرباز میزند و از درد فراق گلشاه، جان به جان آفرین تسلیم مینماید، اما شاه شام به جبران آنچه که بر این دو دلداه رفته است از محضر پیامبر (ص) تقاضا میکند تا با دعای خویش از پروردگار عمر دوباره برای آنان طلب کند و دعای پیامبر (ص) مورد استجاب قرار میگیرد.

شی ارزشی [= مفعول ارزشی] + فعالیت کنشگر = محور کنش

محور کنش در رفتار ورقه بعنوان قهرمان اصلی داستان مبارزه با عوامل بازدارنده و مخالفان است. در روایت عیوقی، قهرمان و کنشگر اصلی یعنی ورقه بدنبال مفعول ارزشی است اما در نهایت بکمک عوامل فراطبیعی و اعجاز پیامبر (ص)، بخواست خویش دست می‌یابد. کنشگزارها یا فرستنده‌هایی چون پدر و مادر گلشاه و رقبای ورقه از جمله موانع بسیار بزرگ برای بدست آوردن شی ارزشی (عشق) در این داستان بحساب می‌آیند.

زنجیره‌های روایت

روایت بر اساس زنجیره‌های روایی آن از سه زنجیره اصلی تشکیل شده است که در ادامه به آن می‌پردازیم:
بیرفت میثاقی یا قراردادی^۱: این بیرفت شامل میثاقها و قراردادهایی است که در روایت به آن توجه شده است. زنجیره‌های پیمانی کل داستان را بسمت یک هدف هدایت میکند. در منظومه ورقه و گلشاه عیوقی زنجیره اصلی داستان و یا زنجیره میثاقی آن عهد و پیمانی است که گلشاه برای وصال با ورقه بسته است. چنانکه گفته شد شاه شام وصف زیبایی گلشاه را می‌شنود و پدر گلشاه در نهایت برای آنکه بتواند گلشاه را به ازدواج با شاه شام ترغیب کند شایعه میکند که ورقه کشته شده است و گلشاه نیز به رغم میل باطنی و با اندوه بسیار سرانجام موافقت میکند که پس از ورقه با شاه شام ازدواج کند اما همچنان به یاد ورقه است و در فراق وی اندوهگین و دردناک است:

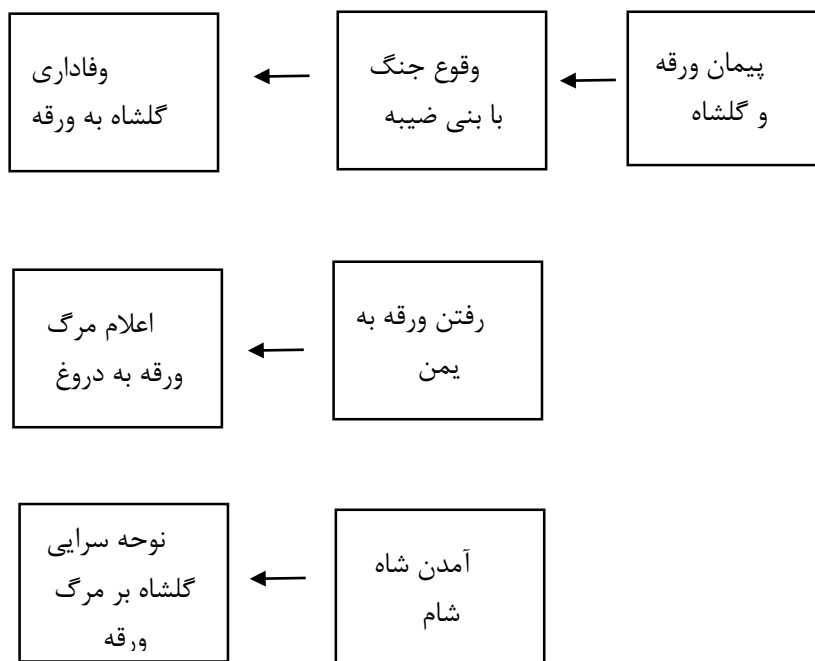
بفندق گل از ماه رخشان بکند بخاک اندر افکند مشکین کمند
 بغلتید بر خاک بیچاره‌وار بنالید از درد و بگریست زار
 بنالید و در درد هجران بگفت دریغا شد از دستم آن نیک جفت
 (عیوقی، ص ۱۱۴)

گلشاه همچنان از فراق ورقه در سوز و گداز است و میثاق وی با ورقه سبب کنش سوگواری در وی میشود:

همی‌گفت ای دل غسل یار من ز هجر تو شد تیره بازار من
 جز از تو مرا یار هرگز مباد دل هر دو در مهر عاجز مباد
 بناکام باید شدن سوی شام جدا گشتن از خواب و آرام و کام
 (همان: ص ۱۱۵)

^۱. Syntgmes contractual

نمودار شمارهٔ ۴. الگوی کنش میثاقی (قراردادی)



زنجیرهٔ اجرایی^۱: زنجیرهٔ اجرایی شامل آزمونها، تلاشها و مبارزاتی است که پیرفت اجرایی و طرح اصلی داستان را میسازد و ساختار روایی هر داستان متکی به آن میباشد (ر.ک سجودی، ۱۳۸۴: ص ۳۳). در زنجیرهٔ اجرایی منظومه ورقه و گلشاه عیوقی رخدادها را میتوان به چند دسته تقسیم نمود:

نخست اعمال و رفتاری که زمینه‌ساز و مقدمه کنشهای اصلی داستان محسوب میشود مانند: زیاده‌خواهی پدر و مادر گلشاه و فرستادن ورقه به یمن جهت بدست آوردن مال و ثروت و یا پیدا شدن رقبایی ثروتمند جهت ازدواج با گلشاه و فریفته شدن ورقه و گلشاه با دادن خبر کذب مرگ هر یک از آنها به دیگری جهت انصرافشان از ازدواج. دوم رخدادهایی که کنشهای ثانویه محسوب میشود مانند: مبارزات و جانفشانیهایی که ورقه برای آزادی، نجات و بدست آوردن گلشاه با قبایل متخاصم انجام داد.

سوم کنشهای فرعی دیگر که تأثیر مستقیمی بر روند داستان دارند. شاه شام به خواستگاری گلشاه می‌آید و گلشاه که با خبر مرگ دروغین ورقه اندوهناک است تصمیم میگیرد با وی ازدواج نموده و به شام برود؛ ورقه پس از شنیدن خبر ازدواج گلشاه و آگاهی از زنده بودن وی بسوی شام حرکت میکند؛ در راه شام با قافله دزدان می‌جنگد و شاه شام او را جهت مداوا به قصر خویش منتقل میکند ورقه که خود را نصر بن احمد از قبیله‌ای با نام خزاعه معرفی کرده است در کاخ شاه شام متوجه حضور گلشاه میشود و انگشتی خویش را پنهانی بدست گلشاه میرساند؛ کنش فرعی اما اساس داستان آن است که شاه شام پس از آگاهی از ماجرای دلدادگی گلشاه با ورقه حاضر به طلاق گلشاه میشود تا وی به عقد ورقه درآید اما ورقه از این کار سرباز میزند و بیان میکند که چون گلشاه به

^۱. Syntymes performative

همسری شاه شام درآمد است حاضر نیست این ازدواج را بر هم زده و خود بوصال برسد؛ شاه شام آنگاه که دلدادگی دو عاشق را میبیند خطاب به ورقه میگوید:

ابا کاشک زین غم برون جستمی ابا مهر گلشه نیبوستمی
بگفت این و پس دست ورقه بدست گرفت و بسوگند خود را بیست
که خواهی بگلشاه اگر همتنی طلاقش دهم تا کنی بر زنی
(همان: صص ۱۴۱ - ۱۴۲)

«در هر داستان پیرفتهایی یا عبارت بهتر روایت‌هایی فرعی وجود دارد. هر پیرفت [خود] داستان کوچکی است و هر داستان پیرفت کلی یا اصلی. پیرفت عنصر اصلی ساختار روایی است. قاعده سه‌گانه‌ای که همچون ساختار اصلی داستان مطرح میشود. در مورد هر پیرفت نیز صادق است. هر پیرفت نیز بر سه پایه استوار است؛ نخست وضعیتی [که] امکان دگرگونی را در خود دارد؛ دوم حادثه یا دگرگونی رخ میدهد؛ سوم وضعیتی که محصول تحقق یا عدم تحقق آن امکان است پدید می‌آید» (احمدی، ۱۳۸۵: ص ۱۶۶).

زنجیره انفصالی^۱ و پیرفتهای همپوشان: در زنجیره انفصالی «به سیر و سفرها و رفتن‌ها و برگشتن‌ها و بطور کلی به سیر وضعیت داستان توجه میشود. بگمان گرمس بیشتر داستانها از وضعیتی منفی بوضعیتی مثبت حرکت میکنند یا از وضعیتی مثبت به شکستن پیمان منتهی میگردند» (دزفولیان، ۱۳۹۸: ص ۲۷). در منظومه ورقه و گلشاه عیوقی بر اساس نظریه کنشی گرمس، میتوان زنجیره انفصالی را چنین مورد توجه قرار داد:

پیرفت اولیه: مراسم ازدواج ورقه و گلشاه

(۲) هجوم دشمن و به اسارت گرفته شدن گلشاه

(۳) نجات گلشاه و پیش شرط ثروت‌اندوزی برای ورقه از سوی خانواده

پیرفت ثانویه: بازگشت ورقه از یمن و به‌مراه آوردن مال و ثروت از نزد حاکم یمن (دایی خود) برای ازدواج

(۲) آمدن شاه شام به خواستگاری گلشاه

(۳) خبر دروغین مرگ ورقه و گلشاه به هم از سوی نزدیکان

(۴) ازدواج شاه شام و گلشاه

پیرفت سوم: دیدار ورقه با گلشاه در کاخ شاه شام

(۱) وداع گلشاه با ورقه

(۲) تعادل نهایی؛ مرگ ورقه و دعای پیامبر (ص) برای زنده شدن وی و ازدواج با گلشاه

این پیرفتهای فرعی در کنار هم در نهایت پیرفت پایه و اساسی یعنی تعادل نهایی را رقم میزنند و در کنار پیرفتهای همپوشانی یا بدیل روایت را به تعادل نهایی هدایت میکنند؛ اگر پیرفتهای همپوشان (بدیل) را از آغاز داستان در کنار هم چینش کنیم شاهد حوادث و اتفاقات بسیاری خواهیم بود که گرچه در لایه‌های پایین ماجرا قرار دارند اما مسبب کنشها و اتفاقات اصلی داستان شده‌اند. این پیرفتهای همپوشان در حقیقت از طریق دخالت راوی در بطن حوادث گنجانده شده‌اند و در همه آنها ورقه در نهایت پیروز ماجراست. ورقه با خارج شدن از سیر حوادث تلخ و جنگها و نبردهای بسیار عاقبت بکمک پیرفتی فراواقعی یعنی دعا و معجزه پیامبر (ص) سرانجام به آرامش رسیده و زندگانی را از سر میگیرد؛ عیوقی از زبان پیامبر (ص) میگوید:

^۱. Syntgmes disunctional

خداوند افزونی و کاستی	همی‌گفت ای داور راستی
بهر شغل در تو تواناتری	تو ز اسرار این قوم داناتری
رها کن دل بندگان از عذاب	تو کن دعوت بنده را مستجاب
چهل سال بخشیدم از شست سال	بگفتا بدین هر دو فرخ همال
بپیوست با ورقه گلشاه را	چنانک آرزو بود مر شاه را

(عیوقی، صص ۱۶۱ - ۱۶۲)

نتیجه‌گیری

منظومه ورقه و گلشاه عیوقی بر طبق نظریه کنشگری گرمس از چندین کنش اصلی و فرعی تشکیل شده است که با تقسیم نمودن آنها به پیرفتهای اصلی و فرعی و در نظر گرفتن تقابلهای دو گانه در خط سیر روایی داستان میتوان خروج از وضعیت تعادل تا رسیدن مجدد به تعادل نهایی را و دیگر کنشهای فرعی آن را مدنظر قرار داد. در یک دسته‌بندی کلی با تقسیم این کنشها به سه دسته و در نظر گرفتن انواع تقابلهای دوگانه، وضعیت روایت از حالت تعادل (ازدواج ورقه و گلشاه و برپایی جشن) بسوی حالت نامتعادل اولیه و میانی (بر هم خوردن ازدواج و حمله قبیله مهاجم و به اسارت گرفته شدن گلشاه) تا رسیدن به حالت تعادل پایانی (نبرد ورقه با قبیله مهاجم، رفتن به یمن، ازدواج گلشاه با شاه شام و در نهایت وصال ورقه و گلشاه) نمایان شده است. در این داستان ورقه کنشگری است که در نقش فاعل بسیار پررنگ عمل نموده است. گلشاه علاوه بر آنکه در برخی موارد کنشگر فاعلی است، خود بنوعی ابژه ارزشی بحساب می‌آید. فرستنده در این داستان احساس زیاده‌خواهی، طمع و مال‌دوستی و جنگ‌طلبی برخی از کنشگران فرعی بویژه مادر گلشاه، کنش بازدارنده را شامل میشود و محرک فاعل (ورقه) در اجرای کنش (تغییر وضعیت) است. از دیدگاه گرمس، گاه کنشگر بصورت چندگانه عمل میکند مانند شخصیت شاه شام که هم در نقش رقیب و هم در نقش یاریگر ورقه ظاهر شده است.

مشارکت نویسندگان:

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد واحد بردسیر استخراج شده است. آقای دکتر هوشمند اسفندیارپور راهنمایی این رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مطالعه و نویسنده مسئول بوده‌اند. سرکار خانم دکتر صدیقه علیپور بعنوان مشاور و دانشجو آقای امیر عمرانی ساردو پژوهشگران این رساله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت این پژوهشگران میباشد.

تشکر و قدردانی:

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بردسیر و مسئولین و اساتید فرهیخته نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام نمایند.

تعارض منافع:

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق

کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Ebrahim Abdul Hamid (1972 AD). The prose stories of Al-Ashaq in the Al-Umayyad era. Al-Cairo: Majlis al-Raye al-Funun and Al-Adab. P. 371.
- Ahmadi. Babak (2006). Text structure and interpretation. Eighth edition. Tehran: Center, p. 166.
- brotherhood Ahmad (2012). Story grammar. Isfahan: Nashr Farda, p. ۶۵.
- Scholes. Robert (1388). An introduction to structuralism in literature. Translation: Farzaneh Taheri. Third edition. Tehran: Age, p. 147.
- Ansar. Morteza and Hedayati. Samia (2017). Examining the poem of Varkeh and Golshah Ayyoghi and its stylistic features. Specialized Quarterly Journal of Persian Poetry and Prose Styloogy (Bahar Adab). Year 11. Issue 2. Consecutive 4. pp.40-21.
- Tyson Louis (2008). Theories of contemporary literary criticism. Translation: Maziar Hosseinzadeh and Fatemeh Hosseini. Tehran: Negah Moroz, p. ۳۶۵.
- Dezfulyan Kazem (2018). Germs' action pattern and narrative chain in Rostam's death narrative. Literary textual research. Period ۲۳. Number ۸. pp. ۷-۳۲.
- Dinah San Anne Marie (2001). An introduction to semiotics. Translation: Muzaffar Garhamani. Tehran: Roozer, p. 71.
- prostration Farzan (2005). Semiotics and literature. Tehran: Farhang Kaush, p. 33.
- _____ (2007). Applied semiotics. Second edition. Tehran: Alam, pp.68-72.
- Selden. Raman (1993). A Guide to Contemporary Literary Theory. Translation: Abbas Mokhbar. Tehran: New Design, p. 108.
- Poetic. Hamidreza (2015). A way to fluid semiotics with a case study of Nima Phoenix. Tehran: Scientific and Cultural, pp. 1-23.
- Poetic. Hamidreza and Vafai. Song (2009). A way towards fluid semantics: A case study of Phoenix Nima. Tehran: Scientific and Cultural, p. 94.
- Safa Zabihullah (۱۳۷۲). History of literature in Iran. c. 13th edition. Tehran: Ferdous, p. 601.
- Abbasi Ali (2015). Semiotics of the Paris Narrative School. Tehran: Shahid Beheshti University Press, p. 68.
- Ayyoghi (1983). Varagheh and Golshah: among the ancient and precious story poems and romances of the Persian language. Second edition. Tehran: Ferdous.
- Gholamhosseinzadeh Gholamhossein and others (2011). A comparative study of the romantic themes of the story of Warkeh and Gulshah Ayyoghi with the

- original Arabic narration. Comparative language and literature research quarterly. Volume 2. Number 1. pp.44-69.
- warm Algirdas Julin (2010). lack of meaning Translation: Hamidreza Shayiri. Tehran: Alam,30-47-64-91-101.
- Green. Kate and Lipihan. Jill (2004). Textbook of theory and literary criticism. Translation: group of translators. Tehran: Roznegar, p. 110.
- Dutt Maryam and others (2024). Examining the style of Germs' action pattern in the narrative structure of Malkot Bahram Sadeghi's story. Scientific journal of stylistics and analysis of Persian poetry and prose texts (former Bahar Adab). 17th year Number eleven. Serial 105. pp.99-121.

فهرست منابع فارسی

- ابراهیم. عبدالحمید (۱۹۷۲ م). قصص العشاق النثریه فی العصر الاموی. القاہرہ: مجلس رعیہ الفنون و الادب. ص ۳۷۱.
- احمدی. بابک (۱۳۸۵). ساختار و تأویل متن. چاپ هشتم. تهران: مرکز، ص ۱۶۶.
- اخوت. احمد (۱۳۹۲). دستور زبان داستان. اصفهان: نشر فردا، ص ۶۵.
- اسکولز. رابرت (۱۳۸۸). درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات. ترجمه: فرزانه طاهری. چاپ سوم. تهران: آگه، ص ۱۴۷.
- انصار. مرتضی و هدایتی. سمیه (۱۳۹۷). بررسی منظومه ورقه و گلشاه عیوقی و ویژگیهای سبکی آن. فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال ۱۱. شماره ۲. پیاپی ۴. صص ۲۱ - ۴۰.
- تایسن. لوئیس (۱۳۸۷). نظریه‌های نقد ادبی معاصر. ترجمه: مازیار حسین‌زاده و فاطمه حسینی. تهران: نگاه امروز، ص ۳۶۵.
- دزفولیان. کاظم (۱۳۹۸). الگوی کنشی گرمس و زنجیره روایت در روایت مرگ رستم. متن‌پژوهی ادبی. دوره ۲۳. شماره ۸. صص ۷ - ۳۲.
- دینه سن. آنه ماری (۱۳۸۰). درآمدی بر نشانه‌شناسی. ترجمه: مظفر قهرمانی. تهران: روزگار، ص ۷۱.
- سجودی. فرزانه (۱۳۸۴). نشانه‌شناسی و ادبیات. تهران: فرهنگ کاوش، ص ۳۳.
- _____ (۱۳۸۸). نشانه‌شناسی کاربردی. چاپ دوم. تهران: علم، صص ۶۸ - ۷۲.
- سلدن. رامان (۱۳۷۲). راهنمای نظریه ادبی معاصر. ترجمه: عباس مخبر. تهران: طرح نو، ص ۱۰۸.
- شعیری. حمیدرضا (۱۳۹۵). راهی به نشانه‌معناشناسی سیال با بررسی موردی ققنوس نیما. تهران: علمی و فرهنگی، صص ۱ - ۲۳.
- شعیری. حمیدرضا و وفایی. ترانه (۱۳۸۸). راهی به نشانه‌معناشناسی سیال: بررسی موردی ققنوس نیما. تهران: علمی و فرهنگی، ص ۹۴.
- صفا. ذبیح‌الله (۱۳۷۲). تاریخ ادبیات در ایران. ج. ۱ چاپ سیزدهم. تهران: فردوس، ص ۶۰۱.
- عباسی. علی (۱۳۹۵). نشانه‌معناشناسی مکتب روایی پاریس. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ص ۶۸.
- عیوقی (۱۳۶۲). ورقه و گلشاه: از منظومه‌های داستانی و عاشقانه‌های کهن و پر ارزش زبان فارسی. چاپ دوم. تهران: فردوس.

غلامحسین‌زاده. غلامحسین و دیگران (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی مضامین عاشقانه داستان ورقه و گلشاه عیوقی با اصل روایت عربی. فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی. دوره ۲، شماره ۱، صص ۴۴-۶۹.
گرمس. آلژیرداس ژولین (۱۳۸۹). نقصان معنا. ترجمه: حمیدرضا شعیری. تهران: علم، ۳۰-۴۷-۶۴-۱۰۱-۹۹.
گرین. کیت و لبیهان. جیل (۱۳۸۳). درسنامه نظریه و نقد ادبی. ترجمه: گروه مترجمان. تهران: روز نگار، ص ۱۱۰.
مودت. مریم و دیگران (۱۴۰۳). بررسی سبک الگوی کنشی گرمس در ساختار روایی داستان ملکوت بهرام صادقی. نشریه علمی سبک‌شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی (بهار ادب سابق). سال هفدهم. شماره یازدهم. پی در پی ۱۰۵. صص ۹۹-۱۲۱.

معرفی نویسندگان

امیر عمرانی ساردو: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بردسیر، دانشگاه آزاد اسلامی، بردسیر، ایران.
(Email: dr.amiomrani@gmail.com)
(ORCID: 0009-0008-7497-6459)

هوشمند اسفندیارپور: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بردسیر، دانشگاه آزاد اسلامی، بردسیر، ایران.
(Email: hooshmand.esfandiarpour@lmail.ir; نویسنده مسئول)
(ORCID: 0009-0006-3035-6229)

صدیقه علیپور: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.
(Email: salipoor@uk.ac.ir)
(ORCID: 0000-0002-7215-1145)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Amir Omrani Sardo: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Bardsir Branch, Islamic Azad University, Bardsir, Iran.
(Email: dr.amiomrani@gmail.com)
(ORCID: 0009-0008-7497-6459)

Hooshmand Esfandiarpour: Assistant Professor of Persian Language and Literature Department, Bardsir Branch, Islamic Azad University, Bardsir, Iran.
(Email: hooshmand.esfandiarpour@lmail.ir; Responsible author)
(ORCID: 0009-0006-3035-6229)

Sediqeh Alipoor: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.
(Email: salipoor@uk.ac.ir)
(ORCID: 0000-0002-7215-1145)